



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری:



تیام خزاعی

نام آزمون: آزمون تشریحی سال دهم دروس ۱۲ ۱۳

تاریخ آزمون: ۱۴

۱ درباره کاربرد انواع «را» در بیت‌های زیر توضیح دهید.

الف. هدیه‌ها می‌داد هر درویش را
تا بیابد نطق مرغ خویش را

ب. مرا مادرم نام مرگ تو کرد
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد

۲ جناس‌ها را در بیت‌های زیر پیدا کنید و نوع آن‌ها را بنویسید.

الف. دید پرروغن دکان و جامه چرب
بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب

ب. چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست

پ. کار پاکان را قیاس از خود مگیر
گرچه باشد در نبشتن شیر و شیر

۳ املای نادرست را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.

الف. از گیائش خنده آمد خلق را
کاو چو خود پنداشت صاحب‌دل را

ب. جولقی‌ای سر برهنه می‌گذشت
با سر بی‌مو، چو پشت تاس و طشت

پ. جُست از سدر دکان سویی گریخت
شیشه‌های روغن گل را بریخت

۴ معادل امروزی واژگان زیر را بنویسید.

الف. دوده: ب. سَمَنَد: پ. نظاره: ت. دَرَع: ث. وِیله:
ج. دمان: چ. سِنان: ح. چاره: خ. خطه: د. نغز:
ذ. کنام: ر. هژیر: ز. گران:

۵ در مصراع دوم بیت‌های زیر چه آرایه‌ای دیده می‌شود؟

الف. بزد بر بر و سینه اشکبوس
سپهر آن زمان دست او داد بوس

ب. بشد تیز ره‌ام با خود و گبر
همی گرد رزم اندر آمد به ابر

۶ مفهوم کنایی هریک از عبارات‌های زیر را بنویسید.

الف) عنان را گران کردن (ب) سر هم‌نبرد به گرد آوردن

۷ چند نمونه ممال در درس رستم و اشکبوس بیابید و بنویسید.

۸ مفهوم عبارات‌های کنایی زیر را بنویسید.

الف) سپهد عنان ازدها را سپرد (ب) رخ نامور سوی توران کنی

۹ دو واژه بنویسید که با کلمه «فتراک» تناسب داشته باشد.

۱۰ مولوی در بیت زیر آدمی را از چه چیزی برحذر می‌دارد؟

«چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست»

۱۱ با توجه به بیت «جمله عالم زین سبب گمراه شد / که کسی ز ابدال حق آگاه شد»:

الف) مقصود از ابدال چه کسانی هستند؟

ب) از نظر شاعر، علت گمراهی جمله عالم چیست؟

۱۲ مولوی در بیت‌های زیر بر چه مفهومی تأکید دارد؟

الف) هر دو نی خوردند از یک آب‌خور
این یکی خالی و آن پر از شکر

ب) دست کان لرزان بود از ارتعاش
وانکه دستی تو بلرزان ز جانش

ج) هر دو جنبش آفریده حق، شناس
لیک، نتوان کرد این با آن قیاس

۱۳ پسوند «وش» در کلمه «خواج‌ه‌وش» به چه معناست؟ دو واژه دیگر که این پسوند را دارند، بنویسید.



۱۴ شعرهای زیر را به نثر روان برگردانید.

الف

یکی تیر الماس پیکان، چو آب

ب

خروشید: کای مرد رزم آزمای

پ

بر آهیخت رُهام گرز گران

ت

کمان را بمالید رستم به چنگ

ث

همی تیغ و گرز و کمند آورید

ج

همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل

۱۵ ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید.

الف

روزکی چندی سخن کوتاه کرد

ب

می نمود آن مرغ را هر گون شگفت

نهاده بر او چهار پرّ عقاب

هماوردت آمد، مشو باز جای

غمی شد ز پیکار دست سران

به شست اندر آورد، تیر خدنگ

به ایرانیان، تنگ و بند آورید

خروشان دل خاک، در زیر نعل

مرد بقال از ندامت آه کرد

تا که باشد کاندر آید او به گفت